

دوشنبه • ۳ شهریور ۱۳۹۳ • سال دوازدهم • شماره ۲۰۹۶ • ۷

شرق روزنامه

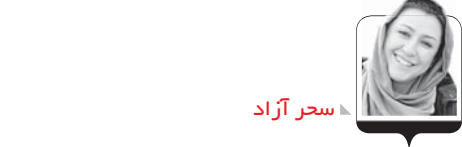
هنر

ناگفته‌های بیهانی از ادبیات و زندگی خود	 صفحه ۸
مبادا وفاده بمیریم	 صفحه ۹
روز نامه	 صفحه ۱۰

نواست

نبود حامی مالی، مانع برگزاری کنسرت سالانه شد

حمایت «خورشید سیاه» از «گلستان»



سحر آزاد

تنها گروه موسیقی حامی فعالیت‌های محیط‌زیست بار دیگر به‌سراغ ساخت اثری برای توجه حفاظت از آثار ملی رفت. اعضای گروه «خورشید سیاه» که اولین آلبوم آنها با عنوان «خرس سیاه بلوچی» در زمستان ۹۲ وارد بازار شد، تمرکز خود را بر ساخت آثاری گذاشته‌اند که به محیط‌زیست و میراث فرهنگی ایران اختصاص دارد. آنها البته بعد از انتشار این آلبوم، دغدغه‌های‌شان را رها نکرده و همراه با برخی از رویدادهای ملی و بین‌المللی اقدام به ساخت آهنگ‌هایی کرده‌اند تا با اشتراکشان در فضای مجازی آگاهی اندهل عمومی را نسبت به محیط پیرامونشان حساس‌تر کنند.

«خورشید سیاه» در تازه‌ترین اثر خود که «هولوکاست جنگل» نام دارد، به مساله آتش‌سوزی جنگل‌های گلستان پرداخته است. چنانچه رها، شاعر و خواننده گروه با بیان اینکه حریق اخیر در جنگل گلستان یک فاجعه ملی است اما پاسخ ملی دریافت نکرد، در مورد دلیل ساخت «هولوکاست جنگل» به «شرق» گفت: «طبق معمول تعدادی محیطبان بدون امکانات، به جنگ تن‌به‌تن با شعله‌های آتش رفتند. پوشش خبری ضعیف بود و افکار عمومی را متوجه فاجعه نمی‌کرد اما گزارش‌هایی که فعالان محیط‌زیست، همچون زهرا کاشوری، مژگان جمشیدی، اسدالله افلاکی و... در این رابطه منتشر کردند، تکان دهنده بود و دل ما را سوزاند. پس قلم‌ها شعله‌ور شد، گیتارها گر گرفتند و طبل‌ها داغ کردند. ما می‌سوختیم و کاری نمی‌توانستیم بکنیم جز اینکه برای اطفا آتش دل، یک طنز سیاه گداخته به زبان موسیقی اجرا کنیم. در واقع این ترانه گزارش سوختن ماست از سوختن گلستان، گزارشی از هولوکاست تمام‌عبار یک جنگل بیشازاینخ در آتش جهالت پسماندن».

طاهر علیرضانی، نوازنده گیتارپاس و سرپرست «خورشید سیاه» نیز در مورد واکنش‌هایی که با انتشار آهنگ در فضای مجازی ایجاد شده است، گفت: «بیشتر مخاطبان ما انتظار چنین واکنشی از طرف ما را داشتند و به‌نظر می‌آمد منتظر چنین آهنگی بودند. پس از انتشار، واکنش‌ها و بازخوردهای خوبی داشتیم، با این‌حال باید بگویم بهترین واکنش را از خود محیط‌بانان گلستان گرفتیم». او در مورد بازخورد محیط‌بانان گلستان چنین توضیح



داد: «آهنگ هولوکاست جنگل از سوی مژگان جمشیدی و صدرا محقق به عنوان دو فعال و روزنامه‌نگار محیط‌زیست که برای بررسی موضوع به گلستان رفته بودند، به دست محیط‌بانان این استان رسید و از طرف آنها پیکان تشرک‌آمیز زیادی دریافت کردیم. آنها حتی گفته بودند که با شنیدن این آهنگ انرژی زیادی گرفته‌اند و خستگی‌شان از بین رفته است». علیرضانی افزود: «صحت‌های محیط‌بانان یکی از بهترین‌هاهایی بود که تا به حال ما دریافت کردیم. ما هم بسیار خوشحالم که توانستیم در چنین روزهای سختی، کاری که از دستمان بر می‌آمد انجام دهیم و به محیط‌بانان بگویم که به یادشان هستیم. در این آهنگ به برخی مشکلات این نوازندگان اشاره کردیم و امیدواریم که این صدا به گوش مسئولان هم برسد و زودتر کاری انجام دهند». همچنین اعضای این گروه هم‌زمان با رویدادهای دیگری اقدام به انتشار آهنگ کرده‌اند. علیرضانی در این مورد عنوان کرد: «ما معتقدیم که موسیقی باید نقش اجتماعی خود را به‌نگام ایفا کند. به همین دلیل بعد از انتشار آلبوم «خرس سیاه بلوچی»، ما چندین تک‌آهنگ با کلیپ منتشر کردیم که همراه با زبان انگلیسی بود. اولین اثر با نام Bring back our girls که در دفاع از دختران دانش‌آموز نیجریه‌ای که به دست گروه بوکوحرام دزدیده شده بودند، ساخته شد. این آهنگ همگام و همنام با کمپینی بین‌المللی به همین منظور بود و بازخوردهای خوبی از سراسر دنیا داشتیم». او در توضیح آهنگ بعدی گفت: «آهنگ‌ها خود در دفاع از کودکان غزه و اثری ضدجنگ با نام Bring beigns که توسط گروهی پیش از این به «شرق» گفته بود با وجود آمادگی آهنگ‌ها در سال ۹۰، نبود حامی مالی باعث شد انتشار آلبوم دو سال به تعویق بیفتد و حتی گاهی گروه تا مرز نابودی هم رفت. حالا هم به گفته سرپرست «خورشید سیاه»، بار دیگر درگیر این موضوع شده و برای اجرای کنسرت سالانه به مشکل برخوردیده است: «از آغاز تشکیل «خورشید سیاه» تا به حال هم‌زمان با

۲۰شهریور که روز مبارزه با خشونت علیه حیوانات است، با همراهی دیده‌بانان حقوق حیوانات کنسرتی بر گزار می‌کردیم. امسال متأسفانه به‌دلیل مختلف آهنگ‌ها در سال ۹۰، نبود حامی مالی باعث شد انتشار آلبوم دو سال به تعویق بیفتد و حتی گاهی گروه تا مرز نابودی هم رفت. حالا هم به گفته سرپرست «خورشید سیاه»، بار دیگر درگیر این موضوع شده و برای اجرای کنسرت سالانه به مشکل برخوردیده است: «از آغاز تشکیل «خورشید سیاه» تا به حال هم‌زمان با ۲۰شهریور که روز مبارزه با خشونت علیه حیوانات است، با همراهی دیده‌بانان حقوق حیوانات کنسرتی بر گزار می‌کردیم. امسال متأسفانه به‌دلیل مختلف آهنگ‌ها در سال ۹۰، نبود حامی مالی باعث شد انتشار آلبوم دو سال به تعویق بیفتد و حتی گاهی گروه تا مرز نابودی هم رفت. حالا هم به گفته سرپرست «خورشید سیاه»، بار دیگر درگیر این موضوع شده و برای اجرای کنسرت سالانه به مشکل برخوردیده است: «از آغاز تشکیل «خورشید سیاه» تا به حال هم‌زمان با انتشار آلبوم «اشک سیاه» است که در مرحله میکس و مسترینگ به سر می‌برد. امیدواریم تا پایان سال، یک آلبوم کامل به زبان انگلیسی هم آماده کنیم».

استیج

هر شهر

ساز خودش را می‌زند



سمیدجلی میرمحمدی

بیلبرودها، آگهی‌ها و پیام‌های کوتاه یکی پس از دیگری خبر از برگزاری کنسرت، تئاتر و رونمایی از آلبوم و... دارند. تهران همیشه شلوغ به نظر می‌رسد. با این حال حتی پایتخت هم از نبود سالن‌های باکیفیت برای اجرای موسیقی رنج می‌برد اما برنامه همین سال‌ها تقریباً نیمه‌دول سال را نیز پر کرده است. صفحات اجتماعی بر است

رهمضان؛ ما اصلاً متوجه نمی‌شویم کیان غیرعادی می‌خواند. پورتراپ: هر کسی یک جور می‌خواند؛ چرا تا این حد نسبت به لهجه‌مان نقد می‌شود؟! در صورتی که افراد دیگر هم یک جور لهجه یا نوع خویش دارند. مثل... خیلی هم باید لهجه نیست... پورتراپ: به نظر کم‌تر شده بود. خیلی هم باید لهجه نیست... رهمضان؛ ما اصلاً متوجه نمی‌شویم کیان غیرعادی می‌خواند. پورتراپ: هر کسی یک جور می‌خواند؛ چرا تا این حد نسبت به لهجه‌مان نقد می‌شود؟! در صورتی که افراد دیگر هم یک جور لهجه یا نوع خویش دارند. مثل...

اما این موضوعی نیست که با آفوس و همدلی بتوان از آن گذشت. برگزاری کنسرت در شهرستان‌ها پیچیده‌تر از این حرف‌هاست. وقتی عزم خود را برای برگزاری کنسرت در شهرستان‌ها جزم کنی، هم زمان زیادی می‌خواهد، هم صبر زیاد و هم آمادگی جسمی و روحی برای پذیرش هر اتفاق غیرقابل پیش‌بینی...

از سسه، چهار ماه باید به دفتر ارشاد استان و شهرستان اطلاع دهی و این نامه‌نگاری‌ها با دفتر موسیقی وزارت ارشاد آنقدر طول می‌کشد که گاهی کمتر از سه‌روز برای فروش بلیت و تبلیغات وقت باقی می‌ماند. یگنرمی که شورای ثابت هر استان با سلایق مختلف در هر زمان که تصمیم بگیرند، برنامه لغو خواهد شد. مهم نیست که یک‌بار تأیید کرده‌اند و بار دیگر با فاصله چند روز لغو می‌کنند. مهم نیست دوستداران موسیقی در شهرستان‌ها که به‌زبان امید و آرزو، بلیت‌دردست با درهای بسته سالن‌ها مواجه شوند. مهم نیست دلی که شاید با عشق و احترام به هموطنانش آمده تا برایشان بخواند، اما باید به پایتخت بازگردد. مهم نیست تصمیم گرفته‌اند و زمان تنها نکته مثبت اجرای موسیقی در شهرستان‌ها که به نظر می‌رسد، در کنسرت‌ها راه دهند. یا زوج و فرد. مهم نیست سرمایه‌ای که صرف شده، بنرهایی که به دلخواه پایین کشیده می‌شوند و...

مهم این است هر شهر می‌تواند ساز خودش را بزند و این یعنی رشد موسیقی!!! این‌روزها گذشتن از این هفت‌خوان، فرسودات می‌کندو گاهی تنها باید از راه دور ادای احترام کنی به مردمانی که مثل ما دوست دارند از گوش‌دادن به موسیقی خوب لذت ببرند. شاید تنها نکته مثبت اجرای موسیقی در شهرستان‌ها حمایت و مشارکت با موسسات فرهنگی بومی آنجا باشد. هرچند اجرای این موضوع هم در شهرستان‌ها کملاً سلیقه‌ای است و به‌عشنامه و دستورالعمل کلی برای آن وجود ندارد؛ اما اینکه هم برگزارکنندگان غیربومی برای برگزاری کنسرت باید یک هم‌راه فرهنگی بومی کنار خود داشته باشند، می‌تواند حمایت کوچکی باشد از آنهایی که با وجود تمام محدودیت‌ها، هنوز دغدغه فرهنگ و هنر دارند و همراهی با آنها، ادای احترام و دین به هنر ایران‌زمین است. امید که روزی تمام مردمان این سرزمین از هنر هنرمندان خود بی‌واسطه بهره‌مند شوند.

«بر گزار کننده جشنواره‌های هنری



عکس

و ممکن است دایره لغاتش شد لغت یا ۳۰۰ هزار لغت باشد. مساله این است که بتواند حس‌اش را به شنونده الفا کند، لزومی ندارد حتماً از کلمات ثقیل استفاده کند، تا بگوید فوق‌العاده. اینجا هر چیزی که راحت بیان شود، به نظر بارزش نیست.
✎ غنّیتد سعی می‌کنید لهجه‌تان کن‌تر شده‌تر باشد... پورتراپ: به نظر کم‌تر شده بود. خیلی هم باید لهجه نیست... رهمضان؛ ما اصلاً متوجه نمی‌شویم کیان غیرعادی می‌خواند. پورتراپ: هر کسی یک جور می‌خواند؛ چرا تا این حد نسبت به لهجه‌مان نقد می‌شود؟! در صورتی که افراد دیگر هم یک جور لهجه یا نوع خویش دارند. مثل...

اما این موضوعی نیست که با پورتراپ: برای ما از همه شدیدتر است! البته ما نقدی را که به آنها می‌شود، نمی‌خوانیم.(خنده)
✎ چون در این جنس موسیقی کلام و نوع بیان خیلی مهم است و می‌توان گفت تنها المان ایرانی این موسیقی است. امیری: این موسیقی هیچ ت اثری ندارد اما یک خارجی متوجه می‌شود غربی نیست، البته ممکن است تشخیص ندهد این موسیقی ایرانی است اما می‌فهمد که کاملاً غربی نیست. یک اتفاق ناخودآگاه است. به هر حال یکسری شنیده‌ها از کودکی در ذهن ما جا گرفته و به‌صورت غیرعمدی جاهایی استفاده می‌شود و برای خود ما هم خیلی محسوس نیست.

رهمضان: ۹۹درصد کسانی که اینجا موزیک گوش می‌کنند فقط به کلام دقت می‌کنند.
✎ این موضوع قدر در اینکه موسیقی شما به سمت پاپ - راک برود، تأثیر داشته است. به هر حال اینکه کجای زندگی می‌کنید و برای چه کسانی می‌نوازید، مهم است. قدر دغدغه موسیقی شما بوده که این‌طور کار کنید؟ پورتراپ: هر هنرمندی باید همین‌طور باشد. یک نقاش هم باید در کارش تا حدودی مخاطب غیرحرفای را هم در نظر بگیرد، در غیر این صورت خودمان را از مردم جدا می‌کنیم. اما اینکه بخواهیم خودمان را به گوش مردم وابسته کنیم، خیر این‌طور نیست. کشیشی: به‌نظرم ما فقط سعی می‌کنیم که موزیک باکیفیتی ارائه دهیم، برای ارتباط با سطح شنیداری مردم عادی بعضی وقت‌ها مجبوریم یکسری چیزها را درنظر بگیریم، ولی نه اینکه بخواهیم گوش‌های ناآشنا را مبنای کارمان قرار بدهیم.

آیرون: می‌خواستیم بگویم فرمت ساز رندم را طوری انتخاب کرده‌ام که عوام بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند. پورتراپ: ما کلاً دورپرست هستیم. یعنی اگر یکی از طرفداران کمنت «نیما» را در خیابان ببیند که به خانه می‌رود، این گروه برایش افت می‌کند! اگر نیما در ایران مانده هم برای خودش بهتر است و هم برای کسانی که کارش را دوست دارند، چون هم ما پیشرفت می‌کنیم و هم گوش آنها به موسیقی حرف‌های عادت می‌کند و با هم بالا می‌آیم. گاهی یک مجله خارجی از ما خبر کار می‌کند که اتفاق جالبی است که ما از جای دیگر حمایت می‌شویم، اما این برای یک عده خیلی مهم است؛ در صورتی که ممکن است اصلاً ندانند موسیقی ما چیست! ایرانی‌ها یک مقدار به کسانی که دم‌دستان هستند راغب نیستند. خیلی‌ها گفتند از وقتی مجوز گرفتید، ما دیگر موسیقی‌تان را گوش نمی‌کنیم!

رهمضان: مجوز گرفتن این دست موسیقی به‌نظرم شروع خوبی است. حتی گروه‌هایی مانند اوپام ،... می‌دانم که خوراک یک خواننده پاپ صدبرابر ماست، اما مطبوعات می‌تواند کمک کند این موزیک در جامعه شنیده شود. چه اشکالی دارد این جنس موزیک در برج میلاد اجرا شود. این ژانر موسیقی، بی‌مورد یک تایتلی گرفته که موزیک راک خشن است یا موزیسین‌هایشان گاز می‌گیرند و از این حرف‌ها! به نظرم باید این موسیقی توسط مطبوعات نقد و بررسی شود. این کار باعث ایجاد رقابت می‌شود و همه تلاش می‌کنند موسیقی بهتری تولید کنند.

✎ بعد از سال ۱۳۷۶ گروه‌هایی با هم کار کرده و گروه‌ها منحل شده و یک عده به خارج از ایران رفته‌اند. اما کامنت از این نظر خیلی خوب پیش آمده و سعی کرده وحدت بند حفظ شود. و ارتباط خوبی با علاقه‌مندانش دارد. آیا این اتفاق آگاهانه و با برنامه‌ریزی بوده یا چون یک صفحه در فیس‌بوک داشته‌اید، این ارتباط حفظ شده است؟

رهمضان: اوایل دهه ۷۰ شرایط سخت بود و گروه‌هایی از جنس ما درآمدی نداشتند و در نهایت به جایی می‌رسیدند که مجبور می‌شدند گروه را رها کنند چون یکی از مسایل اصلی گذران زندگی موزیسین‌هاست. مورد دیگر اینکه در کل ایران کارهای گروهی یک مقدار سخت است و در گروه هر کسی می‌خواهد نظر خودش را بگوید و هر کسی هم فکر می‌کند بهترین نظر را دارد. البته خیلی جاها ما هم به بن‌بست می‌رسیم و شاید اصلاً نتوانیم با هر حرف بزنیم، اما تقریباً یاد گرفته‌ایم که به نظرات مخالف هم احترام بگذاریم. توانایی و نقاطضعف یکدیگر را می‌دانیم و بر این اساس جلو می‌رویم.

امیری: دراصل باید بتوانیم یکدیگر را درک کنیم. سنمان هم یک مقدار بالاتر رفته، زمانی که سن پایین‌تری داشتیم، دعوایمان را کرده‌ایم. از این تجربیات استفاده می‌کنیم که کارمان را پیش ببریم. خبری از آینده نداریم اما تا به حال با هر سختی که بوده پیش رفته‌ایم. الان یک سال است که برای آلبوم مجوز گرفته‌ایم و اتفاقات خوبی افتاده یعنی قسمت سخت ماجرا را رد کرده‌ایم.

پورتراپ: از ابتدا هم در همه موارد با هم مشورت می‌کردیم. به‌نظرم اهداف بلندمدت‌مان خوب پیش رفت. اینجا فکر کردن به اهداف کوتاهمدت سخت است. موزیسین باید روی استیج باشد و اگر این امکان را نداشته باشد، ممکن است نتواند به کارش ادامه دهد.

گروه «کامنت» در گفت‌وگو با «شرق»:

کلا دور پرستیم

رهمضان: مشخص است که ما از آنها ایده می‌گیریم. شاید وقتی موزیک ما را گوش می‌کنید به نظر شبیه گروه‌های خارجی باشد، اما سعی می‌کنیم شبیه به کسی نباشیم و این کار سختی است، به این دلیل که ما پیش‌زمینه‌ای از این موسیقی نداریم و باید از ایده‌های موجود جدا شویم و خودمان نوآوری کنیم. در نوازندگی این کار خیلی سخت است اما در قالب‌بندی موزیک سعی داریم یک گروه مستقل باشیم، تا وقتی شما این موزیک را می‌شنوید بگویید این کامنت است.

✎ گروه کامنت در میان جوانان با اقبال بسیار خوبی مواجه شده. به‌نظر تان کدام ویژگی‌ها در کامنت باعث این اقبال عمومی شده است؟ در ابتدای کار فکر می‌کردید تا این حد طرفدار پیدا کنید؟

پورتراپ: فکر می‌کردم این اتفاق بیفتد چون این موزیک ادا درنمی‌آورد. یک حس واقعی بود و مردم هم آن را دریافت کردند. رهمضان: به‌نظرم نقطه قوت کامنت جدای از موزیک ساده بودن تکست (متن ترانه) است. لغات آنقدر ساده است که نیازی به آنالیز ندارد و برای همین وقتی موزیک را گوش می‌دهید با جمله‌ها احساس نزدیکی می‌کنید.

✎ در آلبوم «رفته از دست» و کال نامفهوم است. آیا این امر از روی قصد بوده یا چون وامدار شکل به‌خصوصی از موسیقی هستید که مدنظر خود تان هست، تأکیدی بر این ندارید که مخاطب کلمه به کلمه حرف‌هایتان را متوجه شود؟ کیان پورتراپ: رفته از دست و کال عمدی نیست زمانی که این کار را شروع کردم چون شنیدارهایم فارسی نبوده، ناخودآگاه لهجه داشتم و ولی احساس می‌کنم الان خیلی کنترل‌شده‌تر است و خیلی شدید نیست که مثلاً «ر» را «رررر» بگویم (خنده) به‌نظرم این حساسیت نسبت به و کال در اینجا خیلی بالاست؛ خارج از اینجا نقدی نمی‌خوانید که فلان بُند چه چیزی می‌خواند. اما در ایران همیشه موزیک محکوم به و کال است، در صورتی که اگر ما هم بخشی از موزیک است.

✎ غیر از لهجه در تنظیم کارها، و کال مقدر به لحاظ صدایی محدود شده؟ پورتراپ: فکر کردم منظور تان لحن است؟

✎ ترکیبی از هر دو، یعنی هم لهجه و هم درجه صدای خواننده در میکس... پورتراپ: در هر ژانری یک سبک میکس وجود دارد. مثلاً در پاپ، و کال بالاتر از بقیه صداهاست و در راک باید تعادلی بین تمام سازها باشد. به نظرم سلیقه‌ای است. کشیشی: در مورد فرم خوانندگی کیان باید بگویم- که وقتی من به گروه ملحق شدم، واقعاً شعرها برابرم مفهوم نبود و خیلی سخت می‌توانستم تشخیص بدهم کیان چه می‌خواند و همیشه نسبت به این قضیه معترض بودم، ولی در مورد آلبوم «رفته از دست» باید بگویم که واقعاً نسبت به قبل شعرها خیلی واضح‌تر به گوش می‌رسد و از طرفی در کنسرت‌های کامنت همه کسانی که در سالن هستند همه شعرها را از حفظ می‌خوانند، پس این نشان می‌دهد که شعرها در آن حد هم که می‌گویید نامفهوم نیست، شاید کلام واضح‌تر باعث به‌هم‌ریختن میکس خواننده با موزیک شود. رهمضان: در واقع در کال نقش اینسترومنت را بازی می‌کند ولی چون زبانش مشترک است، مردم راحت‌تر در کش می‌کنند.

می‌دانم که خوراک یک خواننده پاپ صدبرابر ماست، اما مطبوعات می‌تواند کمک کند این موزیک در جامعه شنیده شود. چه اشکالی دارد این جنس موزیک در برج میلاد اجرا شود. این ژانر موسیقی، بی‌مورد یک تایتلی گرفته که موزیک راک خشن است یا موزیسین‌هایشان گاز می‌گیرند و از این حرف‌ها! به نظرم باید این موسیقی توسط مطبوعات نقد و بررسی شود

✎ اگر و کال مثل یک ساز برای شماس، چرا از نظر اجرایی این قدر محوری دارد. شعرها نسبت به این تعریفی که دادید طولانی است، البته با این تفاوت که کلمات خیلی مفهوم نیست...

رهمضان: در نهایت این کار در قالب موسیقی پاپ است. پورتراپ: به نظرم نباید تا این حد چارچوب قرار دهیم. این موزیک پاپ است یا چیزی دیگری. یک شعر نیاز دارد حرف بیشتری بزند. شعرهایی هستند که سریع حرفشان را می‌گویند و موزیک بیشتر خودش را نشان می‌دهد. هر موزیکی بسته به خودش می‌تواند متنوع و کم و زیاد باشد.
✎ یکسری کلمات در همه اشعار تکرار می‌شوند که اتفاقاً حروف مشترکی هم دارند و حتی بیشتر سطرهای می‌توانند دنباله هم و یک شعر واحد باشند...

پورتراپ: این چیزی که می‌گویید به‌نظرم نکته مثبتی برای آلبوم است چون این آلبوم از جایی شروع و در جایی تمام می‌شود، در واقع یک داستان در خودش دارد. ✎ مثلاً دایره واژگانی که در کل شعرهاست خیلی گسترده نیست. به نظرم کلمات انتخاب‌شده حروف خاص مشترکی را دارند. مثل «دست» یا «من». شباهت حروف، به‌خاطر گنجانیدنشان بر مبنای این شکل موزیک نبوده؟

پورتراپ: من خیلی با این موضوع درگیرم، چون این زبان در نهایت برای این موزیک نیست. این تلاش برای تطبیق دانش با این موزیک است، یک جاهایی دست ما بسته است. شاید یکسری ایده‌ها داشته باشیم که اگر به فارسی بگویم، مثل حرف‌زدن بچه‌ها در مهدکودک باشد اما به انگلیسی عادی و روان است. چون در ادبیات ما از کلمات عربی و ترکی استفاده می‌شود اما آنها خیلی محاوره‌ای صحبت می‌کنند. شباهت یک شاعر نیست امیری: کسی که روی موزیک شعر می‌گوید حتماً یک شخص حرف‌های و شاعر نیست

گروه کامنت با انتشار دو آلبوم در فضای مجازی، طرفداران زیادی جذب کرده تا جایی که در روز رونمایی اولین آلبوم رسمی آنها به نام «رفته از دست» استقبال مخاطبان بیشتر از حد انتظار



مرجان صابئی

بود. نکته جالب اینکه با وجود محبوبیت کامنتی‌ها، تاکنون رسانه‌های رسمی به‌طور جدی به آنها نبر داده‌اند. با اینکه در نگاه اول کلام در موسیقی کامنت خیلی وضوح ندارد اما طرفدارانشان در کنسرت‌ها شعرهای آنها را از حفظ می‌خوانند. فروش آلبومشان هم نسبت به اینکه تبلیغاتی در فضای رسمی نداشتند با استقبال مواجه شد و در ادبیهشت و خرداد امسال جزو پنج آلبوم پر فروش «بیب تینوز» بود. اعضای این گروه شامل کیان پورتراپ (خواننده و ترانه‌سرا)، نیما رهمضان (گیتار الکتریک)، بردیا امیری (درامز)، اشکان آیرون (کیبورد) و آرین کشیشی (گیتارپاس) در گفت‌وگوی پیش‌رو در کنار صحبت درباره آلبوم جدیدشان به بررسی نقش کلام، لهجه و ژانر فعالیتشان و همچنین مشکلات موزیسین‌های این نوع موسیقی هم پرداخته‌اند.

✎ لطافت و گوش‌نوازی موسیقی کامنت مرا یاد گروه‌های پروگرسوراک قدیمی می‌اندازد، ولی مثلاً در گروه السوی (Eloy) آنقدر تنوع ریتم وجود دارد که می‌توان از یک ترک چندین قطعه ساخت، اما کامنت‌ن نه پیچیدگی ملودیک و تنوع ریتم پروگرسوراک را دارد و نه آلمان‌های موسیقی آلت‌رناتیو. این اتفاق از روی عمد بوده یا می‌توان این را نوعی نزدیک‌شدن به قالب پاپ دید؟

کیان پورتراپ: من پروگرسوراک و... گوش می‌دهم. اما نمی‌خواهم موزیکمان شبیه آنها باشد. دراصل «امبیانت» (Ambient music) بودن موزیکمان برای ما اهمیت بیشتری دارد، چون فکر می‌کنم موزیک روز دنیا و بیشتر گروه‌های راک هم به سمت امبیات می‌رود. مثلاً موسیقی پست راک (Post Rock) بیشتر از پروگرسوراک را به درونیات و حس واقعی ما نزدیک است.

بردیا امیری: در موزیک پروگرسو هیموه اعضای گروه از ابتدا موزیک را پیچیده می‌سازند. هر ۱۵ ثانیه از هر آهنگشان می‌تواند یک آهنگ جدا باشد. گروه‌های مطرحی در دنیا وجود دارند که نوآوری‌های زیادی داشته‌اند اما اتفاقات عجیب ریتمی در آن نمی‌بینید. شاید برای یک شنونده تخصصی، کارهای نوازنده درامز «دیویده» جالب باشد؛ مثلاً ریتم‌ها لگت نمی‌شود، اما خلاقیت‌هایی دارد که باعث می‌شود هم برای شنونده‌های خاص جذابیت داشته باشد و هم برای شنونده‌های عام.

✎ این سادگی ریتمیک برای این است که راحت‌تر با مخاطب ایرانی ارتباط برقرار کنید؟

پورتراپ: درواقع این سادگی هم خودش یک کار پیچیده است. اشکان آیرون: به نظرم ما درگیر تکنیک‌های دیگران نشدیم. مثلاً من و نیما درگیر تکنیک نوازندگی نیستیم که بخواهیم در یک دقیقه هزار نت بزنیم. به‌جای ساختن یک تکنیک پرسرعت روی گیتار یا کیبورد، وقتمان را صرف ساختن یک «ساند» می‌کنیم؛ از نگاه عامیانه هم یک چیز ساده شنیده خواهد شد که شاید به نظر تکنیکی نباشد، اما گوش‌نواز تر است. در اصل نوع تکنیک فرق کرده.

آرین کشیشی: شکل کلی و فرم هر موزیک اول از همه به سطح شنیداری مخاطب و سبک و ژانر کاری آن گروه برمی‌گردد، به‌نظرم درست نیست که میزان پیچیدگی موسیقی را با مقدار و تعداد عوض‌شدن ریتم در یک قطعه بسنجیم؛ در اینکه موزیک کم‌نت را نمی‌توان در ژانر موسیقی‌های اینسترومنتال و تکنیکی قرار داد. شکی نیست، ولی به‌غیراز ریتم چیزهای دیگری در موزیک وجود دارد مثل: ملودی، هارمونی، تنظیم، توالس، صداساز ی و... که باعث جذابیت و پیچیدگی می‌شود، هدف گروه ما این نیست که یک موزیک اینسترومنتال و پیچیده تولید کنیم، به نظرم هیچ‌نوع اعضای گروه از لحاظ صداها، حتی بدون مترپال پیچیده خیلی سخت‌تر و بارزش‌تر است.

نیما رهمضان: در ایران نوازنده‌هایی برای دیده‌شدن ندارند، مگر چند خواننده پاپ داریم که نوازندگان با آنها بنوازند! در ژانرهای دیگر هم اتفاقی نمی‌افتد. باید فضایی باشد که نوازنده‌ها دیده شوند و این عطش برای تکنیکی‌نواختن از بین برود. اینجا همه به‌دنبال تکنیکی‌نواختن هستند، در صورتی که نوازندگان مهم در دنیا به‌دنبال خلاقیت‌اند. نوازنده‌ها باید به‌جای پیچیده‌نواختن، فکر شده بنوازند چون درحال حاضر موزیک ما به خلاقیت نیاز دارد.

✎ مجله‌ای نوشته بود که شما شبیه گروه (بلک‌فیلد) هستید. چرا واکنش نشان داده بودید؟

رهمضان: تیزترش این بود: «کامنت بند بلک فیلد ایران» و خود تیزتر هم یک مقدار عجیب بود.

امیری: این تیزر برای ورزشکاران جالب است. مثلاً بگویند فلاتی میسی ایران است! رهمضان: این واکنش بیشتر به پیچیدگی نقد برای یک اثر موسیقی بود. فقط در انتهای متن نوشته بود: «و کال نقش موثری دارد و این موزیک یک برداشت مقلدانه از یک موزیک خارجی است». شنونده موزیک ما ادیب نیست، نقد نباید اینقدر پیچیده باشد. البته این نظر آن شخص بوده و اصلاً می‌تواند بگوید شما بد هستید. اما وقتی در رسانه می‌نویسد، باید استدلال موسیقایی بیاورد. آن متن شبیه یک متن ادبی ۲۰۰ سال قبل بود.

✎ چرا نسبت به شباهت‌تان با گروه‌های آن طرف گارد دارید؟ آیرون: نمی‌توانیم بگویم شبیه نیستیم. این شباهت به هر حال وجود دارد.